

خواجه همام الدین تبریزی

خواجه همام الدین تبریزی ابن علاء الدین (۱) از بزرگترین شعرا و سخن سرایان شیرین زبان تبریز است، ادیب و فاضل دانشمندی بود و از مشایخ بزرگ آن زمان بشمار میرفت، با وجود فضل و کمال دارای حشمت و جاه و جلال و صاحب تمول بوده، در نزد ارباب علم و معرفت مقام ارجمندی داشت، حکام عصر و وزراء آن زمان طالب صحبت او بودند، در تواریخ مسطور است که خواجه همام بجاه و حشمت زندگانی کرده و مدتی دراز وزارت آذربایجان بوی متعلق بود و حکام و سلاطین آن عصر قاعدهٔ ادب و حرمت باوی مسلوک میداشته‌اند خاقاهی ترتیب داده بود که در آنجا از مردم علم و ادب پذیرائی میکرد خوان نعمت او در خانقاه تبریز همیشه برای واردین آماده و مهیا بود، خواجه شمس الدین صاحب دیوان برای هزینه خانقاه خواجه همام یک هزار دینار از درآمد اوقاف روم اختصاص داده بود که هر سال گرفته و بمصرف پذیرائی واردین میرسانید در اینخصوص نامه از خواجه شمس الدین که فرمان صدور این حواله است هست که اصل آن در یکی از کتابخانه های اروپا است و عکسی از آن در کتابخانه ملی تهران موجود است و در اینجا سواد آنرا بنظر قارئین محترم میرسانم

من انشاء شمس الحق والدین طاب ثراه

باسم آذران نامه

(۱) نام پدر خواجه همام علاء بوده بدیهی است که مضاف الیهی از قبیل (الدین) و امثال اینها داشته است، از شرح زندگانی او مطلبی بدست نیامد فقط خواجه در اینغزل خود اشاره به نام پدر کرده و چنین گفته است :

هوس عمر عزیزم ز برای تو بود	بکشم جور جهانی چو رضای تو بود
جای افسر شود آن سر که بیای تو رسد	پادشاهی کند آنکس که گدای تو بود
سخنی لایق سمعت نبود و باشد	هم غزلهای همام بن علای تو بود

چون زاویه مشرکه شیخ امام همام قدوة الانام مقبول الخواص والعوام
 فریدالزمان اجل نوع الانسان همام الملة والدين زیدت فضائله بحکم والمشرَب
 العذب کثیر الزحام منزلگاه خاص و عام است و آستانگاه حاضر و طارق طبقات
 انام و باقلت مال و منال و ضعف حال (الکل ضیف قری) را بنیتی مرضی بل حتمی
 مقتضی دانسته و مقتضی قول امیرالمومنین علیه السلام را که

طعامی مباح لمن قد اكل و داری مناخ لمن قد نزل
 اقدم ما عندنا حاضر وان لم یکن غیر خبز و خل

کار بسته و یطعمون الطمام علی حبه مسکینا و یتیمان و اسیراً فرض عین
 دانسته تا غایتی که ابناء السبیل بر سبیل تمثیل هنگام نهضت و رحیل می گویند
 فلما نزلنا فی ظلال بیوتهم - بیوت کرام (بقیه در یاد داشت خوانده نمی شد) واجب
 و لازم شد از صدقات پادشاه جهان خلدالله ملکه که خاص و عام را شامل است
 و دور و نزدیک را در آن مساوات، چند قلم حاصل.

كالشمس من حيث التفت رايته تهدي السی عينيك نوراً ناقباً
 كالبحر يقذف للقريب جواهرأ جسر داء تبعث للبعيد سحائباً

جهة سفره او حظی و افرو قسطی مستوفی تعیین کردن بنا بر این
 مقدمات از محصول روم بر سبیل ادرار علی الدوام و الاستمرار مبلغ یکهزار
 دینار مقرر شده تا نواب اوقاف انجاسال بسال آنرا بی قصور و احتباس بوی
 می رسانند تا از سرفراغت درون بدعای دولت روز افزون قیام فرمایند. والسلام
 بالجمله سلاطین و وزراء و شعرا همیشه طالب صحبت خواجه همام بودند
 عارف خوش طبع و ادیب نکته سنجی بود، از مداحان و نزدیکان خواجه شمس
 الدین صاحب دیوان بوده و اختصاص و ارتباط زیادی بخاندان جوینی داشت
 و بقول مشهور با خواجه نصیرالدین طوسی و علامه قطب الدین شیرازی و شیخ
 مصلح الدین سعدی معاصر و محشور بود ملاقاتها و ملاطفتهای او با شیخ سعدی

و خصوصاً ملاقات او در حمام تبریز مشهور و معروفست، بعضی از مورخین نوشته اند که از شعراء آن عصر پور بهاء جامی نیز در ملازمت خواجه وجیه الدین زنگی به تبریز آمده و با خواجه همادین ملاقات و مشاعره کرده است و نوشته اند که خواجه همادین تلمیذ خواجه نصیر الدین طوسی بود و تحت تربیت خواجه بمقامات عالییه رسید، در فنون نظم و غزل سرائی استادی ماهر و شاعری قادر بوده، در غزل سرائی سبک شیخ سعدی را پیروی میکرد و نظایر غزلیات شیخ سعدی زیاد گفته بلکه خواسته است خود را به سعدی برساند چنانچه در اغلب غزلهای اشعار خود بسعدی اقتفا کرده، غزلهای بسیار لطیف و شیرین سروده است، در بعضی کلامهایش عین لطافت و ملاحظت کلام شیخ سعدی پیدا است و آب از این چشمه شیرین خورده، حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده نوشته که خواجه همادین تبریزی معاصر شیخ سعدی شیرازی اشعار دلاویز و غزلهای شورانگیز دارد اما چون سعدی گوی سبقت را رفته همادین بر او رشک میبرد و چند بیت از یک غزل او نوشته است که مائما غزل را در اینجا مینویسم.

غزل

ولی بیچاره بیچارگان نپردازی	بیک کرشمه توانی که کار ماسازی
خنک کسی که تو اش هم نشین و هم رازی	در آرزوی خیالات غلام خوابم من
و گریبوته عشقم چو سیم بگدازی	عیار مهر تو یکدزده کم نگردانم
نسیم با سر زلفت چرا کند بازی	چو من بدیدن رویت زدور خرسندم
که هست پیشه اوهر زگی و غمازی	بدست باد صبا زلف خویش باد مده
که عشق باقد و بالای خویشتن بازی	مکن تفرج سر و سهی همان بهتر
که در میان ریاحین بحسن مینازی	بگل بگو که زرویم خجل نمیگردی
روا بود که نواهای عشق بنوازی	پیامده سوی بلبل که با وجود همادین
ولی چسود که بیچاره نیست شیرازی	همادین را سخن دلفریب و شیرین است

متأسفانه تاکنون مورخین و تذکره نویسان از شرح زندگانی این شاعر شیرین سخن چنانچه شاید و باید شرح مفصل و مبسوطی ننوشته و فقط به دوسه سطر اکتفاء نموده‌اند و در بعضی تذکره‌ها نام او را بغلط (همائی) نوشته‌اند مثلاً آذر (۱) در آتشکده نام او را (همائی) ثبت نموده در صورتیکه تاکنون (همائی) شاعر تبریزی در آن عصر که با سعدی معاصر بوده و ملاقات کرده باشد سراغ نداریم و یک تذکره الشعراء خطی نیز بنظر نگارنده رسیده که او نیز دچار این اشتباه شده و نام او را (همائی) نوشته و چند شعرا از اشعار همام را در ذیل آن نوشته و بقینا مقصودش همین خواجه همام تبریزی بوده و احتمال قوی می‌رود که این تذکره الشعراء خطی از نظر مرحوم آذر گذشته که نام او را همائی ثبت نموده، مرحوم نادر میرزا نیز در تاریخ تبریز در ردیف شعرای تبریز صفحه ۱۴۰ نام او را همائی ضبط نموده و عین عبارت آتشکده را نوشته و عبارت هر دو کتاب اینست (همائی تلمیذ خواجه نصیرالدین طوسی بوده بصحبت مصلح‌الدین سعدی نیز رسیده این شعر از اوست .

قطعه

بس از سالی بنخواست دیده‌ام دوش مبادا هرگز آن خوابم فراموش
هنوزم هست دیدار تو در چشم هنوزم هست گفتار تو در گوش
و هیچ شکمی نیست که مقصود همین خواجه همام‌الدین تبریزی است و
شعر فوق هم از خواجه همام است. تعجب در اینجا است که نه آذر و نه مرحوم

۱- ولی عجب در اینست که آذر در آتشکده در جای دیگر در ضمن شرح حال سعدی حکایتی راجع به آمدن سعدی به تبریز و ملاقات وی با خواجه همام تبریزی نقل میکند و در آن حکایت نام شاعر تبریز را بطور صحیح و موافق مشهور خواجه همام آورده است و در همان حکایت یک شعر از سعدی در حماد تبریز نقل میکند که شامل نام صحیح خواجه همام است و شعر اینست :

در میان من و دلدار همام است حجاب دارم امید که آنهم زمیان برخیزد

نادر میرزا در این باره تحقیق و تعمق نکرده و باین اشتباه بزرگ پی نبرده اند. مرحوم تربیت در دانشمندان آذربایجان نوشته که همام از مشاهیر سخنوران تبریز بوده و از ندمای مخصوص صاحب دیوان و مدتی در از وزارت آذربایجان باو تعلق داشت و بر حسب نگارش عبدالغنی فخرالزمانی مؤلف تذکره میخانه در سال ۶۷۶ که صاحب دیوان از طرف اباقا برای ضبط اموال معین الدین پروانه (۱) بمملکت روم رفته بود مولانا همام الدین نیز از جمله همراهان او بوده ،

۱- معین الدین سلیمان ابن علی معروف به پروانه در زمان هولاکوخان از امرای بزرگ مغول و حکمران کل ممالک روم بوده پس از فوت هلاکو و معین الدین بامر اباقا پادشاه هزار لشکر در سال ۶۶۹ هجری بطرف حلب و شام حمله برده بلاد شمال حلب را تصرف و غارت نمود ، معین الدین پروانه که خود فرمانده لشکر بوده پس از جنگهای خونین بالاخره در صعرای المیتن از قشون بیبریس شکست خورده و مغلوب شد معین الدین فرار اختیار کرد ، خبر شکست قشون و فرار معین الدین به آباقا رسید پیش از بیش در خشم و غضب شد و شخصاً بیلااد روم حرکت کرده معین الدین را احضار نمود معین الدین ناچار بحضور آباقا رسیده در مقام عذر خواهی غافل گیر کردن قشون دشمن را عنوان نمود ، آباقا خشم و غضب را نسبت بوی پنهان داشته او را با خود به اردوگاه آلاتاغ آورده و در حضور سرداران بزرگ محکمه نظامی تشکیل و معین الدین را مجازا نمودند و بر او سه گناه ثابت کردند اول آنکه از مقابل دشمن فرار کرده دوم آنکه آباقا را قبلا از لشکر کشی دشمن و قدرت آنها مسبوق نکرده سوم آنکه بعد از شکست پیش آباقا نیامده ، این سه گناه قتل معین الدین را ایجاب میکرد ولی آباقا در قتل معین الدین چندان اصراری نداشت لیکن فرزندان و زنان داغ دیده آنهائی که در اثر فرار معین الدین در آن جنگ از دست دشمن بقتل رسیده بودند بگرفتن انتقام از معین الدین اصرار و پافشاری کردند ، بالاخره آباقا یکی از امرای خود را مامور قتل معین الدین و کسان او کرد و آن امیر معین الدین را با سی و شش تن از کسان او بقتل رسانید ، مغول جسد او را قطعه قطعه کرده در دیک پختند و برای تسکین غضب هر کدام قطعه از آن خوردند سپس برای ضبط اموال معین الدین صاحب دیوان با چند تن از امرای و بزرگان آن عصر به مملکت روم روانه شدند و خواجه همام الدین تبریزی نیز در این سفر از همراهان آنها بود .

خواجه همام در علم ادبیات و فن محاوره و محاضره و شعر و انشاء و حسنخط و حید عصر خود بود، در فصاحت و سلاست اشعار و شیرین زبانی سعدی آذربایجان بوده است الخ .

مورخین تعداد اشعار خواجه همام را سه الی چهار هزار بیت نوشته اند علی الظاهر مجموعه‌ای از غزلیات و اشعار خواجه همام در نزد مرحوم تربیت بوده که منتخباتی از آن در سال ۱۳۰۹ شمسی در حدود دو بیت و شصت بیت توسط کتابخانه ادبیه در تبریز بطبع رسیده است نسخه‌ای از کلیات اشعار وی نیز در کتابخانه ملی پاریس و منتخباتی از آن در کتابخانه خدیوی مصر موجود است حاجی خلیفه کاتب چلبی نوشته که خواجه همام شرحی به چغینی نوشته است در مجله آموزش و پرورش شماره ده سال ۱۳۱۷ شمسی مسطور است که از آثار همام تبریزی چندین غزل در يك سفینه خطی قدیمی هست که فعلاً در تصرف آقای محیط طباطبائی میباشد در این سفینه يك غزل ملمعی از خواجه همام ثبت شده که بدو زبان فارسی و آذری گفته شده و از اینجا معلوم است که در روزگار مغول زبان مخصوص اهالی تبریز همان زبان آذری بوده که از فارسی و پهلوی مشتق است. و آن غزل اینست :

بدیدم چشم مستت رفتم از دست	کوام و آذر دلی گویا نبی مست
دل خود رفت و میدانم که روزی	بمهرت هم بشی خوش گیانم از دست
بآب زندگی ای خوش عبارت	لوانت لاود چمن دیل و کیان بست
دی برعاشق خود مهربان شو	کزی سر مهرورزی کست یکست
بعشقت گر همام از جان برآید	مواژش کان بوان بمرت وارست
گرم خاوا بری بشنم بو بینی	ببویت خته بام ژاهنام سرمست

غیر از غزلیات و قطعات مثنوی (صحبت نامه) ای نیز از خواجه همام هست

که آنرا بنام خواجه شرف‌الدین هارون (۱) منظوم کرده، علامه فقید مرحوم محمدخان قزوینی در مقدمه جلد اول تاریخ جهانگشا باین مطلب اشاره نموده و چنین مینویسد از مشاهیر شعراء معاصر این دو برادر یعنی خواجه شمس‌الدین صاحب‌دیوان و عظاملك جوینی که مداح ایشان بوده‌اند یکی خواجه همادالدین تبریزی شاعر معروف است و دیوان وی مشحون است بمدايح و مراتی این خانواده و وی را مثنوی است عشقیه در بحر هزج مسدس بوزن خسرو شیرین نظامی موسوم بصحبت نامه و آنرا بنام خواجه شرف‌الدین هارون ابن خواجه شمس‌الدین جوینی توشیح نموده است و نیز در مقدمه همان کتاب مسطور است که خواجه هماد را در حق شیخ صدرالدین (۲) حمویه مدایح و قصاید غرائی هست این چند بیت از مثنوی صحت‌نامه نوشته میشود

سعادت یار و اقبالم قرین است که یاری چون تو بامن همنشین است
مگر شد چشم بخت از خواب بیدار که دیدم چشم خواب آلودت ای یار

۱- خواجه شرف‌الدین هارون پسر خواجه شمس‌الدین جوینی صاحب‌دیوان از فضلاء شرا و از مریدان علم و ادب بود و دختر ابوالعباس احمد پسر مستعصم آخرین خلیفه عباسی را در عقد خود داشت و او بعد از عظاملك جوینی بحکومت دیار بکرو موصل و اربل منصوب شد و در عهد ارغون خان در این سمت از امیر آروق برادر بوقانیات میکرد خواجه هارون امیر آروق را بقتل خواجه سعدالدین مستوفی قزوینی برادر فخرالدین واداشت و چون دولت صاحب‌دیوان رو بزوال گذاشت خواجه فخرالدین نیز بانقام قتل برادر خود فخرالدین خواجه هارون را پیش آروق متمهم کرد و او را بسعادت خواجه فخرالدین مستوفی بامجدالدین ابن‌الانیر در جمادی الاخری سنه ۶۸۵ بقتل رسانیدند، ابیات ذیل از خواجه هارون است .

قیمت مرد از هنر باشد نه ز دینار و از گهر باشد
مرد باید که دانش آموزد تا زهر کس بزرگتر باشد

۲- شیخ صدرالدین حمویه آنست که غازان خان بدست او بدین شریف اسلام شرف گشت و در عهد غازان خان بسیار معزز و محترم بود، در سنه ۷۲۲ وفات نمود

نمردم تابکام دل رسیدم
 زهی وصل رخت کام دل من
 دمی در پیش جانان زندگانی
 جهان بی روی خوبت آن ندارد
 نگارا مهر و پیوند تو با من
 نظر مستغرق رویت چنانست
 چو هست امروز بر وصل تو دستم
 شراب روح پرور میکنم نوش
 زمان وصل را پایان مبادا
 حیات خود بچشم خویش دیدم
 ربوده هجرت آرام دل من
 بود خوشتر ز عمر جاودانی
 چو عاشق بی تو باشد جان ندارد
 مثال صحبت جانست باتن
 که فارغ از زمین و آسمانست
 میان روضه بارضوان نشستم
 زمستی کرده هستی را فراموش
 میان ما دگر هجران مبادا

بعضی از مورخین نوشته اند که وقتی خواجه همام الدین خواجه هارون پسر صاحب دیوان را بخانه خاقان خود دعوت نموده تشریفات مجملی در حق او ترتیب داده بود از جمله چهار صد صحن چینی در آن مجلس حاضر گردانیده بود و این غزل را بداهتا در آن مجلس گفته است :

غزل

خانه امروز بهشت است که رضوان اینجاست وقت پروردن جانست که جانان اینجاست
 بر سر کوه عجب بارگهی می بینم کوه طور است مگر موسی عمران اینجاست
 مست اگر نقل طلب کرد بی بازار مرو مغز بادام تر و پسته خندان اینجاست
 شکر از مصر به تبریز میارید دگر بحدیث لب شیرین شکرستان اینجاست
 کلبه تیره و این هند گدا شاه نشین شده امروز که با مرتبه سلطان اینجاست
 چه غم از محتسب و شحنه و غوغا گامروز خواجه هارون پسر صاحب دیوان اینجاست
 بعد از این غم منخور از گردش ایام همام هر چه آن آرزوی جان بودت آن اینجاست
 خواجه همام الدین با خواجه رشید الدین وزیر نیز معاصر و محشور بوده
 و ما بین آنها کمال مودت و صمیمیت بر قرار بوده و خواجه رشید در ضمن
 تحیف و هدایائی که به بزرگان و علما و مشایخ میفرستاد این هدایا را نیز

بخواجه همادالدین فرستاده

پوستین	مرکوب مع سرجه	نقد
یک ثوب	یک راس	دو هزار دینار

و نوشته اند خواجه همادالدین از جمله اشخاصی بود که به کتاب تفسیر یا توضیحات (۱) خواجه رشیدالدین تقریظ نوشته و در آخر آن چنین گفته است که توضیحات مخدومی شاهد تر عدلی و عدل تر شاهی است و چون بنده ضعیف همسام النبریزی احسن الله عاقبتہ در مطالعه این رسائل که وسائل اهل فضائل است بمشارب معارف و حقایق آن آب حیوة معانی سیراب شده دو سه بیت در قلم آورد:

آب حیوة در ظلمات است و سوی آن جز خضر ره نیافت کس از خلق کائنات
 تو آفتاب ملکسی و من در تعجبم کز آفتاب کشت روان چشمه حیات
 گر پر توی ز نور درونت رسد بهند خالی شود ز ظلمت اشراک سومنات
 ای روح بخش تر سخنت زاب زندگی وی مفتخر به بندگیت لهجه نبات (کذا)
 حاصل شود بیک نفسی از اشارت دل را شفا و جان فرو مانده را نجات
 غواص بحر در همه عمر آن گهر نیافت کافشاند نوک کلک تو بر کاغذ از دوات
 از آب علم بحر دلت باد موج زن تا هست سوی بحر روان دجله و فرات

(۱) مرحوم تربیت در دانشمندان نوشته که خواجه هماد از جمله دو دست نوری است که به تفسیر خواجه رشیدالدین تقریظ نوشته لیکن به مقیده نگارنده این تقریظ به کتاب (توضیحات) خواجه رشید نوشته شده نه تفسیر او زیرا که خواجه هماد خود در آخر آن تقریظ چنانچه در بالا ذکر شد چنین نوشته (توضیحات مخدومی شاهد تر عدلی و عدل تر شاهی است و این بنده در مطالعه این رسائل که وسائل اهل فضائل است الخ) و شکی نیست که مقصود خواجه هماد کتاب توضیحات خواجه رشید است و کتاب توضیحات هم تفسیر نیست و در مسائل تصوف و کلام برشته تحریر در آمده و مشتمل بر یک مقدمه و نوزده رساله است و این کتاب بر حسب خواهش او لجانو - لطان محمد تالیف شده

در کتاب روضات الجنان (۱) تالیف درویش حسین کربلائی مسطور است که خواجه همام اگر چه از جمله شعراء معدود است ولی در سلك علما نیز منخرط بود و با وجود فضائل ظاهری از باطن صافیة درویشان هم مستفید و مستفیض بوده گوئیا ارادت وی بحضرت شیخ حسن بلغاری است، در صحف ابراهیم نوشته که خواجه همام در اواخر عمر از منصب و شغل اعراض کرده مرید شیخ سعید خرقانی شد و بشرف طواف مکه معظمه کامیاب گشته بعد از مراجعت گوشه نشینی اختیار کرد و طریق صوفیه و آئین فقر پیش گرفت از تاریخ تولد خواجه همام اطلاع صحیحی بدست نیامد لیکن دانشمند محترم عباس خان اقبال تولد او را در سال ۵۹۸ نوشته و تاریخ فوت خواجه را مورخین بالاتفاق سال ۷۱۳ یا ۷۱۴ نوشته اند که در اینصورت ۱۱۶ سال زندگانی کرده و گویا سال ۷۱۴ تاریخ وفات خواجه صحیح باشد، در مجمل فصیحی نوشته که همام الدین تبریزی که پیر و معمر بود و صد و شانزده سال از عمر او گذشته بود فی خامس عشرین صفر سنه ۷۱۴ در تبریز بحمام رفته بر تخته ای که بالای قسمت آخر و گرم حمام بود بنشست و او را غشی عارض شده افتاد چون بیرون آوردند وفات کرده بود رحمة الله علیه، در مجله سرخاب در محلی که خود عمارت کرده بود مدفون شد و این ماده تاریخرا بعضی از متاخرین در وفات خواجه همام الدین گفته .

زبده اهل سخن حضرت خواجه همام	کلام او بس لطیف در نظر خاص و عام
رفت بمساجد صفر سوی بهشت برین	طائر روحش نمود بشاخ طویی مقام
سال وفاتش چومن خواستم از پیر عقل	گفت بتاریخ وی (آه ز خواجه همام)

(۱) روضات الجنان تالیف درویش حسین حافظ کربلائی است که از فضایل قرن دهم هجری بوده کتاب منضلی است بنام (روضات الجنان) راجع به مقابرو مزارات غما و فضلا و شعراء معروف در تبریز و نواحی آن مشتمل بر یک مقدمه و هشت روضه و خاتمه در زمان شاه طهماسب اول تالیف شده و تاریخ تالیف آن کتاب (زیارات قبور اولیاء) میباشد نسخه خطی از آن کتاب نزد نگارنده موجود است

برای نمونه یکی دیگر از غزل‌های همام را ذیلاً بنظر قارئین محترم

رسانیده مقاله خود را خاتمه میدهم:

چندانکه نازیش بود نازین بود	آنها که حسن و شگفتی و شمائل چنین بود
کز روزگار حاصل عورت همین بود	وقتی در آب و آینه می بین جمال خویش
حیف آیدم که باتو کسی همنشین بود	با خود نشین و همدم و همراز خویش باش
گر دوستی نه تا نفس واپسین بود	ایدوست آن خیال جوانی بود نه عشق
بر خاک من و قای تو نقش نگین بود	روزی که زین سرا بر ای دگر روم
معلومشان نبود که انسان چنین بود	بر آدمی ملائکه انکار کرده اند
گر صورتت برابر نقاش چین بود	کاءند ز شرم پاره شود بشکند قلم
ز اب حیات بر سخنش آفرین بود	چون از لب همام حدیثی بیان کند

دو خبر مهم

اخیراً جرائد انگلستان دو خبر مهم زیر را منتشر ساختند:

- ۱ - در حفريات غزنین خرابیهای قصر سلطان محمود و آثاری از آن دوره پیدا شده که در ضمن شاهنامه فردوسی است و شامل شصت هزار بیت میباشد و از تطبیق این کتاب با شاهنامه‌های فعلی قسمتهای الحاقی با شعار فردوسی بدست خواهد آمد.
- ۲ - در فلسطین توراتی بدست آمده که روی پوست آهو نوشته شده و عبری قدیم است و علمای فن تصور میکنند که تورات اصل و مربوط بزبان موسی میباشد بدیهی است که در صورت صحت از نظر تاریخ دارای اهمیت بسیار است چه ممکن است مطالب زیادی از تاریکی های گذشته ملل بوسیله این کتاب روشن شود.